

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۶ اگست ۲۰۱۷

حزب توده ایران گذار از رویزیونیسم به سوسیال دموکراسی

از انتشارات جدید حزب کار ایران (توفان)

مطالعه این اثر ارزشمند را به همه کمونیستها و انقلابیون ایران توصیه می کنیم:

<http://toufan.org/Ketabkhaneh/Hezb%20Tideh%20170805.pdf>

پیشگفتار

برای ورود به بحث و کالبد شکافی برنامه سیاسی حزب توده ایران در عرصه ایران و جهان، لازم است که خواننده با سابقه امر آشنا شود تا بهتر بتواند مسیر تغییرات و تحولات در مواضع سیاسی این حزب را تعقیب نماید. برنامه و خط مشی کنونی حزب توده ایران، ادامه همان برنامه های گذشته است که به تدریج و بنا بر مصلحت زمان بیشتر ماهیت رویزیونیستی خویش را نشان می دهد و به جایی خواهد رسید که مارکسیسم – لنینیسم را می پوسد و به همراه دیکتاتوری پرولتاریا و مبارزه انقلابی، آن را رسماً کنار می گذارد. حزب کار ایران (توفان) قصد دارد در این نقد نخست زمینه های تئوریک انحرافات حزب توده ایران مبتنی بر آنچه که مارکسیسم لنینیسم به ما می آموزد، سپس سازشکاری سیاسی و فرمیسم آن را به صورت مشخص در برنامه اش نشان دهد. بدون داشتن این محملهای تئوریک و آشنائی هر چند محدودی با دانش مارکسیسم لنینیسم، برای خواننده مقدور نخواهد بود ماهیت شعبده بازی و انحرافات رویزیونیستی حزب توده ایران را درک کند.

نقش حزب توده ایران در ایجاد تشتت فکری

حزب توده ایران برنامه ای تدوین کرده است که شامل دو قسمت اساسی است. بخش نخست این برنامه بررسی علل فروپاشی شوروی و جمع بندی از آن در مورد پذیرش "سوسیالیسم نوع جدید" و بخش دوم برنامه شامل بررسی ایران و سیاست حزب توده ایران در برخورد به رژیم جمهوری اسلامی در گذشته و حال است. حزب کار ایران (توفان) به تک تک اظهارات حزب توده ایران و همدستی آنها با رژیم جمهوری اسلامی در خدمت مطامع شوروی نمی پردازد، زیرا از حوصله این بررسی خارج است و برای خوانندگان تکراری و کسل کننده خواهد بود. ما تلاش خود را محدود به این می کنیم که دروغها و نادرستی ها و دوپهلو گوئیها، کتمان حقایق گذشته و انحرافات کنونی ایدئولوژیک و سیاسی این حزب رویزیونیستی را برای کمونیستها و طبقه کارگر ایران روشن کنیم. حزب توده

ایران در برنامه‌اش با تحلیل مسایل جهانی و به ویژه نقش امپریالیسم امریکا و ناتو، توسل به خواستهای دموکراتیک و مطالباتی مردم ایران -که دیگر کسی نمی‌تواند منکر آنها باشد- عملاً کتابچه‌ای منتشر می‌کند که در لابه لای راست و دروغ و عمومی‌گوییهای غیر قابل انکار، اساس مسأله گم شود. وظیفه ما در این بررسی‌ها این است که این صف‌آرایی برای ایجاد تشت فکری را برملا کنیم. به این جهت باید معلوم شود که این حزب چه می‌گفته، حال چه می‌گوید و چرا در مورد نظریات گذشته خود سکوت می‌کند و آنها را به نقد نمی‌کشد و علت تغییر و "تصحیح" کردن آنها را بیان نمی‌کند و طوری جلوه می‌دهد که گویی اتفاقی نیفتاده است. حال حزب توده ایران تئوری‌های کهنه را در قالب پوسته "نوین" جا می‌زند و طوری جلوه می‌دهد که این نظریات کنونی همه آموزه‌هایی از گذشته و مبتنی بر جمع‌بندی از آنهاست.

حزب توده ایران در تمام دوران مبارزه ضد رویزیونیستی در کنار رویزیونیستهای شوروی بود و از نظریات آنها به ضد کمونیستها و در ایران به ضد "سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان" دفاع می‌کرد. حال که شوروی فروپاشیده است انکار نظریات نادرست رویزیونیستها ممکن نیست. حزب توده ایران به جای این که از خود انتقاد کند و بپذیرد که در نبرد عظیم ایدئولوژیک این کمونیستهای توفانی بوده‌اند که حق داشته‌اند، در بخش نخست برنامه خود زیرجلکی نظریات درست را ولی نیمه‌کاره به نام تجارب خودش جا می‌زند و از کنار انتقاد از خود که طبیعتاً نتایج فاجعه باری برای این حزب خواهد داشت، فرار می‌کند.

ما بر این نظر بودیم و هستیم و این نظریات را در اسناد کتبی غیر قابل انکار در زمان خود منتشر کرده‌ایم که خروشچف رهبر رویزیونیستها با حمله به "کیش شخصیت ستالین" نخستین گام را برای نابودی سوسیالیسم برداشت. مبارزه با "کیش شخصیت ستالین" دسیسه رویزیونیستها برای تغییر ماهیت حزب و دولت شوروی بود. باید نشان داد که حزب توده ایران در آن زمان چه گفته است و حالا چه می‌گوید.

ما بر آن نظر بودیم و هستیم که تئوری‌های "حزب تمام خلق" و "دولت تمام خلق" تماماً رویزیونیستی بودند و برای نابودی سوسیالیسم از جانب خروشچف در حمله به ستالین ساخته و پرداخت شدند و در زمان خود در این باره اسنادی را منتشر کردیم و مورد تهاجم حزب توده ایران قرار گرفتیم. خوب است مردم بدانند که این حزب در آن زمان چه می‌گفت و ما چه می‌گفتیم و این حزب اکنون چه می‌گوید.

ما بر آن بودیم که تئوری‌های خروشچف در مورد "همزیستی مسالمت آمیز"، "گذار مسالمت آمیز" و "مسابقه مسالمت آمیز" تئوری‌های رویزیونیستی بودند و هستند و باید دید که حزب توده در آن زمان چه می‌گفت و امروز چرا چیزی نمی‌گوید.

ما بر آن بوده و هستیم که دولت دیکتاتوری پرولتاریا، دولت دموکراسی و نماینده خواست اکثریت افراد جامعه است و باید این دولت را برای سرکوب ضد انقلاب داخلی و خارجی تا دوران زوال قطعی دولت حفظ کرد. شکل این دیکتاتوری پرولتاریائی دولت شوراهاست.

باید دید حزب توده ایران در مورد مقوله دیکتاتوری پرولتاریا چه می‌گفت و امروز چرا بدون کوچکترین توضیح به اعضاء و طبقه کارگر آن را از برنامه خود حذف کرده است. شما در تمام برنامه و مصوبات حزب توده ایران کلمه‌ای در مورد این مقوله مهم پیدا نمی‌کنید. شما نه تنها به عبارت دیکتاتوری پرولتاریا که هسته مهم مارکسیسم-لنینیسم است و یکی از مبانی نزاع میان لنین و کائوتسکی بوده است، برخورد نمی‌کنید، به عکس در سراسر برنامه این حزب، نظراتان جلب می‌شود که حزب توده ایران به مبارزه با همه حکومت‌های دیکتاتوری می‌پردازد و مرتب به جنبه ارتجاعی این حکومت‌ها با استفاده از مفهوم دیکتاتوری تکیه می‌کند، آنهم برای این که یک رنگ منفی و عوامفریبانه بورژوائی بر روی مقوله دیکتاتوری پرولتاریا بیاشد و مفاهیم طبقاتی را مخدوش کند، این حزب رویزیونیستی در همه

جا فوراً دست به کار می‌شود تا تمام رژیمهای مستبد و خودکامه را با صفت دیکتاتور مزین کند. این روش همه رویزیونیستها می‌باشد که مفاهیم طبقاتی را از مضمون اجتماعی و تجربه تمام تاریخ بشریت تهی می‌نمایند تا برای بورژوازی قابل قبول بوده به وفاداری آنها برای شرکتشان در حکومت اعتماد کند. به همین جهت نیز رویزیونیستها برای فریب طبقه کارگر تنها از دموکراسی پرولتری و نه دیکتاتوری پرولتری سخن می‌رانند و در عمل با روش مودیانه‌ای نفی می‌کنند که مقوله دموکراسی و دیکتاتوری به مثابه مفاهیم اجتماعی طبقاتی‌اند و توأماً وجود دارند. در جایی که برای طبقه کارگر و زحمتکشان دموکراسی است، در همانجا برای طبقات استثمارگر تنها می‌تواند دیکتاتوری وجود داشته باشد. این تجربه و آموزش تمام تاریخ بشریت از بدو پیدایش مبارزه طبقاتی است. تمام طبقات حاکمه تا به امروز تنها دیکتاتوری طبقاتی خویش را اعمال کرده‌اند.

این روش متناقض، دامن زدن به آشفته فکری، تضاد در گفتار و کردار نشانه عدم صمیمیت کمونیستی و بیان روشن پذیرش رویزیونیسم است.

ما در بخش دوم بحث خود نشان می‌دهیم که حزب توده ایران با تئوری‌بافی‌های ضد مارکسیستی از انقلاب قهرآمیز پرولتری روی بر تافته و خود را برای لم دادن در سنگر اپوزیسیون ابدی بی‌ضرر و مورد اعتماد و قبول بورژوازی، آماده کرده است. این حزب رویزیونیستی در پی شرکت در حکومت ایران و تقویت مناسبات حاکم برای همیشه است.